

گفت‌وگوی
روزنامه صبا با عوامل
نمایش «رویای
آمریکایی»

در ستایش ادامه دادن، حتی در روزهای دشوار

تئاتر؛ ایستادگی در برابر واقعیت‌های دشوار



صرفاً در نقش شخصیت‌ها ظاهر نمی‌شوند، بلکه هم‌زمان باید اجرای نمایش را مدیریت کنند. انگار همه چیز در آستانه به‌هم ریختن است و آن‌ها تلاش می‌کنند اجرا را سر پا نگه دارند. برای مثال، حتی حضور پدر در قالب یک قاب عکس، بخشی از همین جهان متفاوت است. ما موقعیت‌هایی ساخته‌ایم که در متن اصلی وجود نداشتند و از جابه‌جایی میان بازیگر و شخصیت برای ایجاد موقعیت‌های کمدی استفاده کرده‌ایم. بنابراین، مسئله فقط ناتوانی شخصیت‌ها در مواجهه با واقعیت نیست؛ خود اجرا نیز به موقعیتی تبدیل می‌شود که کنترل آن مدام در معرض خطر است.

○ اجرای تئاتر در شرایط دشوار اقتصادی و اجتماعی امروز چه معنایی برای شما دارد؟ آیا روی صحنه ماندن نوعی مقاومت است؟

ما در نهایت تئاتری هستیم و تئاتر شغل ماست. به نظر جامعه تئاتری باید این حرفه را شغل اصلی خودش بداند، نه شغل دوم. من حدود ۱۳ سال است که در تئاتر فعالیت می‌کنم؛ بیشتر به عنوان دستیار یا در بخش‌های مختلف پشت صحنه کار کرده‌ام و از سال ۱۴۰۰ به‌طور جدی‌تر به کارگردانی روی آوردم. البته تئاتر به تنهایی لزوماً هزینه‌های زندگی ما را تأمین نمی‌کند و بسیاری از هنرمندان ناچارند در کنار آن کار دیگری هم داشته باشند. باین حال، علاقه به این حرفه دلیل اصلی ورود ما به آن بوده است. برای من، ادامه دادن و کار کردن نوعی یاقشاری بر زندگی است. معتقدم آدم باید برای زندگی تلاش کند و هدفی داشته باشد. نمی‌شود به‌سادگی از کار و فعالیت دست کشید؛ به‌ویژه در تئاتر که ادامه حیات حرفه‌ای به تولید و اجرای مستمر وابسته است.

○ با توجه به کاهش قدرت خرید مردم، آیا مسئولیت دسترس پذیر کردن تئاتر برای مخاطب را هم بر عهده خود می‌دانید؟

قطعا شرایط اقتصادی روی کار ما تأثیر می‌گذارد. بخشی از هزینه بلیت به ایجاد تولید، دستمزد بازیگران و عوامل و هزینه‌های تهیه نمایش مربوط است. طبیعتاً پروژه‌های با گروهی بزرگ و چهره‌های شناخته‌شده، هزینه‌های متفاوتی نسبت به یک اجرای مستقل دارد. نمی‌توان بدون توجه به این تفاوت‌ها درباره قیمت بلیت قضاوت کرد. ما در «رویای آمریکایی» تلاش کرده‌ایم تا جایی که امکان دارد، هزینه تماشای نمایش را پایین نگه داریم. قیمت بلیت اجرای ما ۵۰۰ هزار تومان بود و در بعضی روزها تخفیف‌های ۵۰ درصدی و پیشنهادهای تخفیفی دیگر هم داشته‌ایم. برای من، تعداد مخاطبان اهمیت زیادی دارد. ترجیح می‌دهم سالن با تماشاگران بیشتری پر شود تا اینکه تعداد محدودی مخاطب بلیت گران‌تری بخرند. در دوره‌هایی که خودم تهیه‌کنندگی نمایش را بر عهده داشتم، حتی برای تأمین هزینه‌ها قرض گرفتم؛ در نهایت هم توانستم هزینه‌ها را برگردانم و دستمزد عوامل را پرداخت کنیم. فکر می‌کنم تلاش برای فراهم کردن امکان تماشای نمایش، در حد توان گروه، بخشی از مسئولیت ماست.

○ با توجه به تجربه اجرای نمایش در دوره‌های پرتنش، تماشاخانه هنوز می‌تواند فضایی برای آرامش یا فاصله گرفتن موقت از واقعیت باشد؟

ما شوخی تلخی داریم و خودمان را «نحس‌ترین اجرای سال» می‌نامیم؛ از زمان آغاز تمرین‌ها تا دوره‌های مختلف اجرا، بارها با اتفاقات غیرمنتظره مواجه شدیم. در مقاطعی، شرایط به‌گونه‌ای بود که تصمیم گرفتیم تبلیغات کمدی نمایش را متوقف کنیم و اجرای آن را به تعویق بیندازیم؛ چون احساس می‌کردیم در آن وضعیت، تبلیغ یک اثر کمدی مناسب نیست. این شرایط بر همه گروه‌های تئاتری تأثیر می‌گذارد. گاهی هنرمندان از شروع پروژه می‌ترسند، چون نگران‌اند اتفاق تازماری رخ دهد و هزینه‌هایشان از بین برود. باین حال، ما تلاش کردیم کار را ادامه دهیم. به نظر نمی‌توان برای تئاتر در چنین روزهایی یک کارکرد قطعی تعریف کرد. برای بعضی‌ها ممکن است فرصتی برای خندیدن باشد و برای بعضی دیگر، تجربه‌ای متفاوت. مهم این است که امکان این مواجهه همچنان وجود داشته باشد.

○ آیا فکر می‌کنید مخاطب ایرانی امروز می‌تواند رؤیاهای ناآرامی‌های شخصیت‌های «رویای آمریکایی» را با زندگی خودش مرتبط بداند؟

علی حضرتی، کارگردان:

«رویای آمریکایی» باز خوانی
کمدی جهانی تلخ است

علی حضرتی، کارگردان نمایش «رویای آمریکایی» به خبرنگار روزنامه صبا از اقتباس آزاد خود از «باغ وحش شیشه‌ای» تنسی ویلیامز، تجربه دوسال تمرین، دشواری‌های تولید تئاتر در شرایط اقتصادی امروز و چالش جذب مخاطب گفت.

○ نمایش «رویای آمریکایی» بر اساس «باغ وحش شیشه‌ای» تنسی ویلیامز شکل گرفته، اما عنوان و رویکرد اجرایی متفاوتی دارد. چه چیزی در متن اصلی شما را به سمت مفهوم «رویای آمریکایی» برد؟ یکی از دلایل اصلی، شناخته‌شده بودن «باغ وحش شیشه‌ای» است. در بارودی، معمولاً یک اثر شناخته‌شده را انتخاب می‌کنید تا مخاطب بتواند ارجاعات و شوخی‌ها را تشخیص دهد. بسیاری از تماشاگران ما یا نمایشنامه را خوانده‌اند، یا اجرای آن را دیده‌اند، یا فیلم «اینجا بدون من» آشنایی دارند. ما هم می‌خواستیم با یک متن کلاسیک شناخته‌شده بازی کنیم و از دل آن به جهان خودمان برسیم. اگر قرار بود «باغ وحش شیشه‌ای» را به همان شکل اجرا کنیم، نتیجه چیزی نبود که امروز روی صحنه می‌بینید. متن از فیلتر نگاه گروه ما به اثر، جامعه و تئاتر عبور کرده و به «رویای آمریکایی» تبدیل شده است. از طرف دیگر، مفهوم رویای آمریکایی از ابتدا در دل نمایشنامه وجود دارد؛ پدر خانواده آن‌ها را ترک کرده و به دنبال رؤیای خودش رفته، تمام رؤیای رهایی دارد و آماندا نیز همچنان در رؤیاهای گذشته‌اش زندگی می‌کند. بنابراین، عنوان جدید هم به جهان اثر اشاره دارد و هم به خوانش ما از آن.

○ انتخاب بازیگران چگونه انجام شد و چه مدت برای تمرین فرصت داشتید؟

تقریباً دوسال درگیر تمرین و آماده‌سازی بودیم؛ البته نه به این معنا که در تمام این مدت بدون وقفه تمرین می‌کردیم. اتفاقات بیرون از گروه، مشکلات اقتصادی و شرایط اجتماعی، در کنار تغییراتی که در ترکیب گروه داشتیم، روند تولید را طولانی کرد. بیشتر اعضای گروه از دوران دانشجویی با یکدیگر آشنا بودیم و همین دوستی و شناخت متقابل، مبنای شکل‌گیری کار شد. در طول مسیر، چند بار بازیگران بعضی نقش‌ها تغییر کردند. امیر کردی دومین بازیگری بود که برای نقش تام انتخاب شد و نیشا ممدی نیز پس از تغییرات مختلف به نقش آماندا رسید. در نهایت، تلاش کردیم با تکیه بر شناختی که از یکدیگر داشتیم، گروهی هماهنگ بسازیم که بتواند زبان اجرایی مورد نظرم را محقق کند.

○ شخصیت‌های «باغ وحش شیشه‌ای» در گذشته و رؤیاهایشان گرفتارند. این گریز از زمان حال در دراماتورژی شما چه جایگاهی دارد؟ در «باغ وحش شیشه‌ای»، این مسئله به‌وضوح وجود دارد؛ اما در «رویای آمریکایی» باید به ساختار اجرایی متفاوت اثر هم توجه کرد. بازیگران ما

نمایش «رویای آمریکایی» با نگاهی
هجوآمیز به جهان «باغ وحش شیشه‌ای»
تنسی ویلیامز، از رؤیاهای ناکام و میل به فرار

سروین دهقان
گفت‌وگو



می‌گوید؛ اجزایی که می‌خواهد پیش از حرف زدن، تماشاگر را سرگرم کند. علی حضرتی، کارگردان نمایش، و بازیگران این نمایش در گفت‌وگو با روزنامه صبا از عبور از متن کلاسیک، نسبت طنز و تلخی، دشواری‌های جذب مخاطب و فشار اقتصادی‌ای می‌گویند که گاهی ایده‌های تئاتری را پیش از رسیدن به صحنه حذف می‌کند.

